بهبود وضعیت فضاها و کاربریهای شهری با استفاده از تئوری

«تحلیل رفتار متقابل»

نویدسعیدی رضوانی[۱]،حمیدرضا دانش پور[۲]

قزوین - دانشگاه آزاد اسلامی - گروه شهرسازی

navidsaeidirezvani@yahoo.com

چکیده

فضاهای عمومی در شهر، باید طوری طراحی شوندکه مردم بتوانند از آنها به طور موثر،سودمند،ایمن و با رضایت مندی بسیار،استفاده نمایند.یکی از فاکتورها در رضایت مندی وخشنودی شهروندان از شهر وفضاهای شهری ، ارتباط موثر فضاها و کاربری های مختلف با «حالات افراد» می باشد. هدف از این پژوهش پاسخ به این سوال است که هر فضا و کاربری شهری با کدامیک از جنبه های درونی انسان(کودک،بالغ،والد)ارتباط برقرار می نماید تا از این طریق تدابیری پیش بینی شود که هر فضا بتواند نیازهای هر شخص ودر هر زمان و با هر «حالت درونی» برآورده نماید.مسلما " چنین شهری می تواند آسودگی خاطر وآرامش ساکنین خود را فراهم آورد.در این ارتباط محققین و پژوهشگران مختلفی به بحث نیاز های انسان و تطبیق اصول روانشناسی انسان با مسائل شهری پرداخته اند که از این دسته می توان به مازلو،لنگ ویونگ اشاره نمود.پژوهش حاضر از نوع اسنادی بوده و به جمع آوری اطلاعات ومبانی نظری پرداخته وسپس با تحلیل آن ها به ارتباط موثر میان این تئوری ("تحلیل رفتار متقابل" Transactional Analysis) که دکتر اریک برن روانشناس آمریکایی آن را در دهه ۵۰ قرن بیستم مطرح نموده و از آن پس مورد قبول جامعه شناسان و روانشناسان قرار گرفته است ؛ با شهر و شهرسازی پرداخته است .راهکارهای ارائه شده می تواند کمکی باشد در گره گشایی از مسائل پیچیده شهری و ارتباط آن با شهروندان . از نتایج بدست آمده در این پژوهش ،ایجاد طیف گسترده ای از فضاها وکاربری های مختلف در شهر می باشد به طوری که هر شخص با هرشرایط روحی بتواند فضای مورد نیاز خود را در شهر بیابد،با آن ارتباط بر قرار نموده وبا رضایت خاطر از آن،به زندگی خود بپردازد.

واژه های کلیدی: تحلیل روابط متقابل - حالت درونی (والد،بالغ،کودک) - شهر- فضای شهری - کاربری شهری

---

[۱] دکترا در شهرسازی - استادیاردانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین - گروه شهرسازی.

[۲] لیسانس معماری ودانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. Hamidrezadaneshpour@yahoo.com

۱- مقدمه

بنا به گفته سازمان ملل ،آغاز سده بیستم ویکم میلادی هم زمان است با تکوین انقلاب شهری نوین در جهان.برای نخستین بار در تاریخ بشر ،بیش از نیمی از مردم دنیا در شهرها زندگی می کنند و تا سی سال آینده تعداد شهرنشینان جهان دو برابر روستا نشینان خواهد بود[۱- مقدمه] .

طی قرن بیستم جمعیت جهانی به چهار برابر افزایش می یابد ،جمعیت شهری دست کم ۱۵ برابر می شود.مرکز تجمع جمعیت ۵ میلیونی و بیشتر ،که تعداد آنها در آغاز قرن بیستم از دو مورد تجاوز نمی کرد،هم اکنون به ۷۵ مورد رسیده است.شمار شهرهای دارای بیش از یک ملیون نفر جمعیت از ۱۶ مورد ،امروزه به بیش از ۲۸۰ مورد میرسد وبر این تعداد در هر سرشماری افزوده می شود[۲-۶] .

این تمرکز در قرن بیستم خصوصا"در شهرهای بزرگ جایی که محل انباشت ثروت وسرمایه بود ،اتفاق افتاده است.به طوری که در سال ۱۹۹۹ سه میلیارد از مردم دنیادر شهرها وبیش از یک ملیارد نفر در ۳۵۲ کلانشهر سراسر جهان زندگی می کردند [۳-۱۳] .

حال باید دید که با این رشد فزاینده جمعیت شهری آیا مهم ترین رسالت شهر سازی که همانا رضایتمندی ساکنین آن است برآورده میشود؟

در دهه های اخیر توسعه های شهری بیشتر متوجه مسائل کمی بود و تامین کمیت در اولویت اول قرار داشته و کیفیت تحت الشعاع کمیت قرار گرفته است.گویی تصور بر این است که کیفیت به دنبال کمیت مطرح می شود واین دو به موازات یکدیگر قابل حصول نمی باشند.نتیجه طراحی با این پیش فرض ،فضاهایی است که تنها تعدادی عدد و نفر را در خود جای می دهد بدون آنکه به نیازها ،ادراکات و رفتارهای آنها در زندگی روزمره بهایی داده شود [۴-آ]

به واسطه این امر غالبا" با فضاها و کاربری های شهری مواجه می شویم که بر چسب نوعی عملکرد خاص بر آن زده می شود و عملا" زمینه بروز سایر فعالیت ها در آنها تضعیف می گردد.

هر روزه ما با مسائل متفاوتی در رابطه با عدم ارتباط مناسب افراد با کاربری های مختلف شهری مواجه میشویم.مثلا " چرا در ادارات کارمندان نمی توانند نقش خود را به خوبی انجام دهند و عملا " فعالیتی صورت نمی گیرد؟ ، چرا دانش آموزان و

دانشجویان در مدارس و دانشگاهها اغلب کم توجه،کسل و بی حوصله هستد وصرفا " در اندیشه به اتمام رساندن آن هستند؟،پارک ها و فضاهای سبز شهری چرا از جمعیت جوان و بزرگسال خالی یا حداکثر کودکان را در بر می گیرد؟

و بسیاری سوالات مشابه.

در اینجا سوال اساسی این است که فضاها و کاربری های شهری چگونه می توانند با درون افراد مختلف ارتباط بر قرار کند تا فرد با آن فضا ارتباطی متقابل بر قرار نماید و بتواند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد ؟آیا در هنگام برنامه ریزی برای ساخت فضاها و توسعه کاربری های شهری به روحیه و درون و شرایط روانشناختی ونیازهای استفاده کنندگان از آن توجه وتفکر می شود؟

محققین و پژوهشگران مختلفی به بحث نیازهای انسان و تطبیق اصول روانشناسی انسان با مسائل شهری پرداخته اند.از این دسته می توان از مازلو(Mazlo)،لنگ(Lang) ویونگ(Gung) نام برد.

مازلو روانشناس امریکایی نیازهای انسان را شناسایی و طبقه بندی نموده است.

نیازهای ذکر شده از سوی مازلوتشکیل سلسله مراتبی می دهند که دارای نکات زیر می باشد: (نمودار۱)

نمودار ۱: سلسله مراتب نیازهای مازلو

نیازهایی که در پایین نردبان انگیزشی هستند ،باید پیش از نیازهایی که در پله های بالاتر نردبان قرار دارند ،ارضا شوند.در واقع نیازهای رده بالاتر ظاهر نمی شود مگر آنکه نیازهای رده های پایین تر لا اقل تا حدودی ارضا شده باشد.

نکته دیگر اینکه انسان در یک زمان به وسیله همه نیازها به پیش رانده نمی شود.در یک زمان تنها یک نیاز غالب است. این که کدام نیاز باشد ،بستگی به این دارد که کدام یک یا کدام دسته از نیاز های دیگر قبلا ارضا شده باشند [۴-۳۳].

۲- روش تحقیق

نوع تحقیق "بنیادی-کاربردی " و روش بررسی آن "اسنادی" است.موضوع مورد مطالعه تحقیق،ارزیابی کاربری ها و فضاهای شهری بر اساس تئوری "تحلیل رفتار متقابل "(Transactional Analysis) می باشد.در ابتدا از طریق مطالعه وبررسی منابع کتابخانه ای،اطلاعات مربوط به پیشینه ودیدگاه های نظری مختلف مرتبط با موضوع جمع آوری شده است.با شناخت تئوری ذکر شده فوق واحاطه کامل بر آن،به شناخت وضعیت موجود کاربری ها و فضاهای شهری ودر کل وضعیت شهر از نظر نوع ارتباط با افراد پرداخته وبه جمع بندی وتطبیق آن با تئوری حاضر پرداخته شده است.در نهایت با ذکر مثال هایی در تطبیق تئوری "تحلیل روابط متقابل" با کاربری ها و فضا های شهری به روشن تر شدن و درک بهتر پژوهش کمک می شود.

۳- چهارچوب نظری

عصر حاضر دوران روابط پیچیده انسانی و انسان با محیط پیرامونش است که در آن تمام پدیده های مربوط به کنش ها و واکنش ها در مسیر فشار زای خاص خود در جریان است .این روابط پر پیچ و خم ودر هم آمیخته اگر در روندهای علمی خود قرار نگیرند مشکلات بسیاری به وجود می آورندکه نه تنها این مشکلات اثرات مخربی بر خود شخص دارند بلکه اثرات مهلکی بر سازمان ها ،نمادها،خانواده ها و محیط های اجتماعی خواهد داشت[۵-۹] .

فضای شهری مصنوعی است سازمان یافته،آراسته و واجد نظم که به صورت بستری برای فعالیت ها و رفتارهای انسانی عمل می نماید.انسان جزئی از فضاست و با ارزش ها و هنجارهای خود به این فضا معنا می بخشد.الگو های روابط اجتماعی ثابت نیستند ویک فضا با جایگزین شدن روابط اجتماعی خاص ،چهره متفاوتی به خود می گیرد [۴-۸۱].

فضاهای شهری همان فضا های باز و سرپوشیده شبکه ارتباطی یعنی راهها ،میدان ها و فضای ورودی هستند و راهها شامل بازارها و معابر می شود [۶-۱۷].فضاهای شهری فضای مورد استفاده عموم اندو به همین دلیل وظیفه عموم در برابر فضاهای شهری تنها مختص به زیبا سازی فضاهای باز عمومی نیست بلکه واحد های همسایگی ،خیابان ها و فضاهای بین ساختمان ها را نیز در بر می گیرد[۷-۱۲].

کاربری زمین- land use -یا کاربری اراضی ویا نحوه استفاده از اراضی،عبارت است از بررسی نوع استفاده از زمین به نسبت انواع فعالیت های مختلف اعم از بهداشتی،درمانی،مسکونی،اداری و تجاری [۸-۸].

تحلیل رفتار متقابل یا (TA) یک تئوری روان‌شناسی است که توسط دکتر اریک برن (Eric Berne 1910-1970) در سال ۱۹۵۰ میلادی ارایه گردید و به لحاظ کاربرد آن در حل مشکلات احساسی و رفتاری، مورد قبول جامعه روان‌شناسی قرار گرفته و تدریجاً در زمینه‌های مشاوره، روان‌کاوی، گروه درمانی، مدیریت، جامعه‌شناسی، توسعه سازمانی و آموزش، نظریه‌های جدیدی ارایه نموده و گسترش پیدا کرد ه است. ابهام و پیچیدگی در مفاهیم، تخصصی بودن و زمان طولانی درمان در دیگر روش‌های روان درمانی باعث شد تا تحلیل رفتار متقابل با مفاهیم اساسی و واژه‌های ساده سریعاً جایگزین روش‌های روان درمانی قدیمی گردید. به همین جهت تحلیل رفتار متقابل عمومیت یافته و هر جا که انسان‌ها حضور داشته و با یکدیگر ایجاد رابطه می‌نمودند کاربرد عملی پیدا کرد و ابزاری برای تغییر و حل مشکلات قرارگرفت. تحلیل رفتار یک مکتب علمی کاربردی می‌باشد[۹].

به عقیده انجمن بین المللی تحلیل رفتار متقابل،این تئوری یک تئوری روان دروانی شخصیت واصولی جهت رشد و دگرگونی شخصیتی افراد می باشد.

۱-به عنوان تئوری شخصیت،تحلیل رفتار متقابل ساختار مردم را از نظر روانشناسی توصیف می کند.از آن جهت تشخیص بهترین مدل شناخت ومدل وضعیت درونی (والد،بالغ،کودک)استفاده می شود.

۲-این یک تئوری ارتباطی می باشد که می تواند در تحلیل سیستم ها وسازمان ها بسط داده شود[۱۰].

دکتر اریک برن ،بانی نظریه «تحلیل رفتار متقابل»،این واحد علمی را تعریف و مشخص کرده است: هر گونه واحد آمیزش اجتماعی یک «رفتار متقابل »نام دارد.هر وقت یک انسان با یک نفر یا بیشتر در تماس باشد ،دیر یا زود یکی از آنها حرفی میزند،یا علامتی نشان می دهد که حضور دیگری را ثابت می کند.ما این را یک انگیزه رفتار متقابل می نامیم. سپس آن شخص «متقابلا"»حرفی می زند ،یا علامتی نشان می دهد،که به طریقی پاسخ به آن انگیزه است ،و آن پاسخ رفتار متقابل نامیده می شود. «تحلیل رفتار متقابل» روش بررسی این رفتار و اعمال است که در آن «من با تو کاری می کنم و تو هم در مقابل کاری با من می کنی»و در این میان معلوم می شود که کدام جنبه از شخصیت چند جنبه ای انسان دخالت داشته است. [۱۱-۲۱].

نمادهای «تحلیل رفتار متقابل» سه دایره است که هر یک نمودار یک قسمت از شخصیت یک انسان است : «والد»،«بالغ» و«کودک». یک «رفتار متقابل»(یا تبادل) واحد اصلی رفتار است.شما چیزی به من می گویید یا کاری انجام می دهید و در مقابل من چیزی به شما می گویم یا کاری انجام می دهم.«تحلیل رفتار متقابل»فهمیدن این واقعیت است که کدامیک از این

سه قسمت شخصیت شما این تبادل رفتار را شروع می کند و کدامیک از سه قسمت شخصیت من پاسخ می دهد [۱۲-۲۲].

(نمودار۲)

نمودار۲: ساخت شخصیت انسان

حالت نفسانی «والد»شامل روش ها ، سبک ها ی محسوس و رفتارهایی است که از منابع خارجی ودر اصل از والدین گرفته می شود.این حالت نفسانی عبارت ست از ثبت احساس فرد از آنچه که افراد مهم در زندگی انجام داده اند [۱۳-۷].

«والد» شامل ضبطهایی است از آنچه انسان کوچک ،طی دورانی که ما آن را پنج سال اول زندگی می نامیم ،از اعمال و حرکات پدر و مادر خود (یا جانشین آنها) دیده است. این ضبطها شامل حرفهای آنها نیز هست.ضبطها عینا " و تصحیح نشده صورت می گیرد،زیرا طفل در آن زمان در موقعیتی نیست که اعمال والدین نیرومندش را که برای همه چیز خود به آنها وابسته است،مورد سوال قرار دهد.در والد مفهوم«آموخته شده» و «نشان داده شده»زندگی ضبط است.سنت ها و ارزش ها نیز در «والد» قرار دارد.«والد» دارای تاریخ است.طرز فکر امروزوالدین شما ممکن است همان«والد»ی نباشد که در مغز شما است.«والد»پاکشدنی نیست .«والد»هم تغذیه کننده است و هم عیب گیر[۱۱-۲۶].

حالت نفسانی «بالغ » عینا "واقعیت را ارزیابی می کند .به این منظور اطلاعاتی را از تمام منابع چه داخلی یعنی از سایر حالات نفسانی(کودک و والد) و چه از جهان خارج جمع آوری و ذخیره کرده و مورد استفاده قرار می دهد.«بالغ» از این اطلاعات در جهت ساختن گزارش ها و برآورد احتمالات استفاده می کند.اغلب «بالغ» را کامپیوتر می نامند زیرا مانند یک کامپیوتر دیجیتال عمل می کند مثلا" منطقا" و بدون احساس اطلاعاتی را که به دست آورده است محاسبه می کند [۱۳-۸].

«بالغ» فکر می کند و دلیل می آورد و پیش بینی می کند وچگونگی انجام کارها را کشف می کند.«بالغ»به تدریج به تامل درباره نتایج وپیامد کارها می پردازد. یکی از وظایف مهم «بالغ» امروزی کردن «والد» است [۱۱-۳۰].

حالت نفسانی «کودک» شامل کلیه امیال افراطی و احساساتی است که به طور طبیعی برای فرد به وجودمی آید.تحرکات و احساسات مختلف در سنین مختلف بروز می کند.به این ترتیب یک کودک دارای احساسات و خواسته های ذاتی خاصی است

که حداقل در طی دوران جوانی و بلوغ که به تدریج سیستم های عصبی و هورمونی او گسترش می یابد تغییر می کند.علاوه بر این حالات احساسی طبیعی یا ذاتی «کودک» شامل ثبت احساسات اولیه است و اینکه چگونه در مقابل آن احساسات واکنش نشان می دهد[۱۳-۸].

همزمان با ضبط اطلاعات رویدادهای خارجی در آنچه که ما آن را «والد» نامیدیم ضبط دیگری نیز صورت می گیرد وآن ضبط رویدادهای «درونی» یا به عبارت دیگر ،پاسخ یا عکس العمل انسان کوچک (یا احساس او)نسبت به آن چیزهایی است که می بیند و می شنود.همین واحد از مجموعه اطلاعات «دیدن و شنیدن و احساس کردن و فهمیدن» است که ما آن را به عنوان جنبه «کودک» تعریف می کنیم[۱۲-۳۵].

به طور کلی این الگو میگوید وقتی که من دارم فکر می کنم در «بالغ» خود هستم ،وقتی دارم احساس می کنم در «کودک» خود هستم وزمانی که دارم قضاوتی اخلاقی و ارزشی می کنم در«والد» خود هستم.یا به عبارت دیگر «والد» حاوی دستورات،بکن نکن ها و باید ونباید ها ،سرزنش ها،«بالغ» تحلیل گر و حسابگر و«کودک» حاوی احساسات و عواطف و به عبارتی عامیانه (چی حال می ده و چی حال نمی ده)

به طور سنتی تاکید در روانشناسی محیطی بر این بوده است که چگونه رفتار،احساسات و حس تندرستی انسان تحت تاثیر محیط فیزیکی قرار می گیرد.مطالعات ابتدایی بر این تاکید داشتند که چگونه محیط های انسان ساخته مثل ساختمان ها و شهرها بر رفتار تاثیر می گذارند،به ویژه زمانی که این محیط های ساختمانی به ازدحام یا به قول میلگرام اضافه بار حسی منجر شود[۱۴-۲]

مشاهده دقیق فعالیت های اجتماعی فی البداهه،چنین آشکار می کند که گهگاه حالات و دیدگاهها و لحن صدا و کلمات وسایر جنبه های رفتار مردم تغییرات قابل توجهی پیدا می کند.این تغییرات رفتاری اغلب با تغییرات احساسی همراه است .در هر فرد ،مجموعه ای از الگوهای رفتاری خاص معرف یک حالت روانی اوست،حال آنکه همین فرد در حالت روانی متفاوتی الگوی رفتاری دیگری بروز می دهد که غالبا" متناقض با قبلی است.این تغییرات و تفاوت ها سبب پیدایش فرضیه حالات من گردیده است[۱۵-۱۹].

فردی که دارای احساسات سالم باشد قادر است به میل خود انرژی خود را در یکی از حالات نفسانی متمرکز نماید.اوآن حالتی را انتخاب می کند که به نظر می رسد در وضعیت موجود بهترین عملکرد را دارد [۱۳-۲۱].

هر سه جنبه شخصیت ارزش حیاتی و زیستی بسیار زیادی دارند وفقط هر گاه یکی از آنها نظم وتعادل بقیه را بر هم زند،لزوم تجزیه و تحلیل این اختلال وتنظیم مجدد احساس می شود.درغیر این صورت ،هر یک از سه جنبه«والد» و«بالغ»و«کودک» دارای ارزش مساوی اند ودر زندگی کامل و بارور جای خود را دارند [۱۵-۲۵]. افرادی که بتوانند تعادلی در سه «حالت درونی» خود برقرار سازند وآنها را با هم پیش برند افرادی سالم از نظر روانی هستند و می توانند بهترین ارتباط با افراد دیگر و همچنین محیط پیرامونشان برقرار نمایند.

در اینجا به ارائه چند نظریه دیگر در رابطه با موضوع و نقش توجه به افراد وشهروندان در بهبود شرایط محیطی شان می پردازیم:

یکی از این نظریه ها "نظریه انتقادی برنامه ریزی "می باشد که بر پایه مکتب انتقادی ،به انتقاد ازجوامع موجود می پردازد و خود را همچون تحلیل هنجارین می نمایاند،یعنی تحلیلی که با ماهیت اجتماعی برنامه ریزی سر وکار دارد،و آگاهانه در جستجوی گذراز وضعیت موجود(ونهابقای آن) است[۱۶-۷۰].

از نظر پاتریک گدیس،شهرسازی از دیدگاه عملی و به عنوان یک علم کاربردی ،می باید از طریق تجربه گرایی بسط داده شود،و به هنری همیشه کارا تبدیل شود که قادر باشد زندگی شهر را بهبود بخشیده ودر تحول آن سهم داشته باشد[۱۷-۳۴۳]

ویلیام وایت نیز به ضرورت شناخت رفتار در فضای شهری اشاره می کند و به مطالعه همه جانبه رفتار شهروندان در فضای شهری و نحوه ارتباط فضا با افراد می پردازد.به باور وایت کار طراحی را می باید از فهم روشی که مردم از فضاها استفاده می کنند آغاز نمود.او همواره تاکید می کند که مردم با پاهای خود رای می دهند و در واقع آنها از فضا هایی استفاده می کنند که در آن آسوده باشند و از فضا هایی که چنین نباشد ،می گریزند[۱۸-۴۲۹].

لئونارد دوهل روانپزشک و استادیار روانپزشکی در دانشگاه جرج واشنگتن معتقد است که از همان آغاز،مجموعه های زیستی به منظور جوابگویی به نیازهای مادی وروانی افراد،خانوارها وگروهای اجتماعی شکل گرفته اند.ریخت شناسی کالبدی هر گونه اجتماعی بیانگر نیازهای روانی ونظام های ارزشی اعضای آن است [۱۷-۳۸۱].

از تئوری های دیگر مرتبط با موضوع می توان به تئوری های شهر پربازی (Playful city) و تئوری پست مدرن در مورد شهر اشاره نمود.

در شهر پربازی مسئولین شهر موظف به قرار دادن موقعیت ها و سیاست های بازی در دستور کار می شوند.توسط این عمل شهر دارای کودکانی خشنود،سالم تر و باهوش تر خواهد شد. شهر پربازی،شهری سالم،متنوع وبسیار سودآور می باشد[19].شهر پربازی،شیوه ای از زندگی در شهرهااست به منظور تشویق مردم به فعالیت بدنی،همراه با بازی و سرگرمی های معماگونه با استفاده از روش های ابتکاری خاص،که در زندگی روزمره جای می گیرد.

از دیدگاه پست مدرنیسم،شهر ها به صورت استعاری و ناشناخته بودن کلیت شهر مطرح می شود(Metaphor).بدین منظور به غیر جدی بودن شهرها اشاره دارد که شهر باید طوری باشد که افراد بتوانند با آن به راحتی برخورد نمایند.

گرچه ممکن است که انتقادهایی به غیر واقعی بودن محیط ها وتصنعی بودن آنها وارد شود ،لیکن آن درست همان کیفیتی است که مورد توجه و علاقه مردم قرار می گیرد.چنین فضاهایی توجه مردم را از بی عدالتی ها وزشتی های زندگی آنها منحرف سازد.ولی در مقابل می توان گفت که به خاطر جذابیتی که این فضاها ایجاد می کنند و به خاطر به وجود آوردن فضاهایی که مردم می توانند در آنجا در کنار خانواده ودوستان خود آرامش یافته وتفریح کنند،مورد استقبال قرار گرفته است [۲۰-۱۳۵].

۴- بحث ویافته ها

از مباحث بیان شده می توان به این نتیجه رسید که هر کاربری و فضای شهری برای آنکه بتواند بیشترین ارتباط را با مخاطبین خود بر قرار سازد لازم است که بتواند تمام حالات درونی مخاطبین خود را برآورده نماید.یعنی شرایطی فراهم آید که هر شخص بتواند با هر حالت روانی که هست از آن فضا استفاده نماید.منظور این است که در یک فضای شهری پیش بینی هایی صورت پذیرد که آن مکان پذیرای اقشار مختلف مردم با حالات درونی مختلف باشد و هر فرد در هر حالتی که باشد بتواند مکانی برای ارضاء آن بیابد.بدیهی است که فضا های تک بعدی یعنی فضاهایی که تنها توانایی برآورده ساختن یک حالت درونی فرد و یا دو حالت درونی او را دارند نمی توانند پاسخی مناسب به افراد مختلف جامعه باشند.

چنین فضا و کاربری شهری می تواند موفق باشد وافراد مختلف را به درون خود کشانده و سبب رضایتمندی و آسایش ساکنین شهر را فراهم آورد.

به طور مثال دانشگاه کاربری است که بیشتر به بایدها و نباید ها و آموزش توجه دارد و بیشتر قسمت «والد» افراد را هدف قرار می دهد.حال این دانشگاه در صورتی که بتواند فضاها و مکان هایی که «بالغ» افراد را تحت پوشش قرار دهد مثل کتابخانه و سایت های کامپیوتر یا اتاق فکر همچنین برآورده کننده «کودک»افراد باشد مثل قرار دادن رستوران،بوفه،کافی شاپ .در این صورت موفق تر خواهد بود.

کاربری اداری نیز به همین منوال می توان پویا تر نمود .یک کارمند اداره که از صبح تا عصر فقط پشت میز می نشیند وبه بررسی پرونده ها یا حسابرسی می پردازد .دراین اداره فقط«بالغ»فرد به کار گرفته شده،حال آنکه اگر در همان اداره ساعتی میان کارتعطیل شود و کارمندان در فضایی مخصوص به خوردن غذا،استراحت وگپ وگفتگو وخواندن روزنامه بپردازند وجنبه های «والد»و«کودک» خود رانیز بپرورانند به طور قطع نتیجه و بازدهی افزایش می یابد.

یک پارک شهری بیشتربرآورده کننده «کودک»افراد است.حال آنکه قرار دادن بازی هاوحتی فضاهایی برای تفکر و تامل وگپ وگفتگو وآموزش و فضاهایی از این قبیل در پارک که بتواند روی جنبه های «بالغ» و«والد» کودکان و یا افراد بزرگسال با هر «حالت درونی» تاثیر گذارد.در این صورت وقتی که فضاهای مختلف پارک بتوانداافراد مختلف با هر روحیه و نیازی را به درون خود بکشاند پارک ها شلوغ تر و پویا تر می گردد.

کاربری تجاری در صورتی که به صورت پاساژ و مراکز خرید باشد بیشترمردم برای تفریح وسرگرمی وصرف اوقات فراغت می روند بنابرین برآورده کننده حالت درونی«کودک» مراجعین می باشد ودر صورتی که مراکز خرید از نوع صنعتی باشند بیشتر با «بالغ »افراد سروکار دارد.با اضافه کردن فضایی نظیر رستوران،کافی شاپ،فضای بازی کودکان همچنین فضاهایی مثل مرکز کامپیوتر،کافی نت،کتابفروشی ها ،سرگرمی های فکری وشاید فضاهایی آموزشی مختصرومفید بتوان هر سه جنبه از حالات درونی افراد را تحت پوشش قرار داد.

کاربری درمانی نیز بیشتر جنبه «بالغ» دارد.حال با طراحی وایجاد فضاهای دیگر می توان سایر «حالات درونی» را ارضا نمود.به عنوان مثال می توان مطب دکترکودکان را به صورت« PLAYFUL» اجرا نمود.استفاده از رنگ آمیزی شاد و متنوع وهمینطور وسایل بازی برای کودکان ،قرار دادن کتابفروشی،رستوران،فضاهای روباز جهت انتظار وگفتگو و...می توانند ما را در رسیدن به هدف مورد نظر یاری دهند.

نتیجه فوق را می توان در دیگر فضاها وکاربری های شهروحتی در کلیت شهر به طورکل تعمیم داد.به عنوان مثال در برلین موزه هامحلی را جهت عرضه کتاب وکتابخانه اختصاص داده اند [۲۱] ،همچنین یک ترمینال در کنار وظیفه حمل و نقل مسافر می تواند فعالیت های جنبی مانند رستوران،کافی شاپ،سایت کامپیوتر،اتاق مادروکودک و...داشته باشد.

نهایتا" یک شهر باید بتواند برآورده کننده تمام نیازافراد مختلف با هر «حالت درونی» باشد.در این صورت شهر فعال و پویا و موفق می گردد و می تواند رضایتمندی تمام ساکنین خود را برآورده نماید.درچنین شهری شهروندان درآسودگی وآرامش روانی کامل می توانند به فعالیت های روزمره خود بپردازند .

۵- نتیجه گیری

هر فضا وکاربری شهری برای آنکه بتواند طیف گسترده ای از مراجین را درخود داشته باشد باید دارای مکان ها وزیرفضاهایی باشد که هر کدام برآورده کننده یک جنبه از «حالت درونی» افراد را ودر کل آن فضا و کاربری شهری برآورده کننده تمام «حالات درونی» افراد مختلف و با هر «حالت درونی» باشد.در این صورت به فضاها و کاربری هایی فعال و مفید وقابل استفاده همگان دست می یابیم.

یک شهر به طور کل برای آنکه بتواند سرزنده وپویا باشد،خود باید از فضا ها وکاربری هایی تشکیل شود که برآورده کننده نیاز تمامی شهروندان با هر سن وسالی،هر فرهنگ وقومیتی وهر حالت روانی باشد.به عبارتی ساده در هر شهر باید طیف گسترده ای از فضاهای مختلف موجود باشد که هرکسی و با هر شرایط روحی بتواند فضای مورد نیاز خود را در شهر بیابد،با آن ارتباط برقرار نمایدو با رضایت خاطر از آن به کار روزمره خود بپردازد.چنین شهری که ساکنین آن از لحاظ روحی وروانی ارضاء می گردند مسلما" فعال،سرزنده،پویا وسودآور خواهد بود.

از نتایج دیگر این پروژه می توان به نوعی ارتباط میان انواع «حالات درونی» انسان با کیفیت های موجود در فضاهای شهری وشهر به طور کل اشاره نمود.بدین منظور که هر یک از کیفیت ها بیشتر با یکی از «حالات درونی»انسان ارتباط بر قرار می نماید. بنابرین وجود کیفیت های شهری مناسب وبجا می تواند در ارتباط شهروندان با شهروفضاهای شهری موثر و مفید باشد. جدول زیر این ارتباط را نشان می دهد. (جدول ۱)

جدول ۱: ارتباط میان کیفیت های فضای شهری و«حالات درونی»انسان

کیفیتهای فضای شهری ← / حالات درونی انسان ↓	زیبایی	وحدت	هویت	هماهنگی	نظم	ماندگاری	پایداری	تغییرپذیری	خوانایی	سرزندگی	انعطاف پذیری	ایمنی	خاطره انگیزی
کودک	●									●			●
بالغ		●				●	●	●	●		●		
والد			●	●	●							●	

همانطور که قبلا" اشاره گردید ،هر فضا و کاربری شهری غالبا " به یکی از جنبه های «حالات درونی» افراد می پردازد وبیان گردید که این فضا ها و در مجموع شهر باید طوری برنامه ریزی و طراحی گردد که بتواند به دیگر جنبه های درونی افراد نیز

بپردازد .بنابرین پیشنهاد می گردد برای بهبود وضعیت شهرها ،اقدام به شناسایی نیازهای شهروندان با توجه به ویژگی های فرهنگی،اجتماعی،اقتصادی وسایر شرایط منحصر به فرد آن گردد.آنگاه با اطلاع از نیازها ، اقدام به برآوردن آن ها در قالب فضاهای کالبدی در شهر گردد.فضاهای مورد نیاز می تواند در قسمت های مختلف شهر وبه صورت ترکیبی با سایر کاربری ها در نظر گرفته شود.در جدول زیر مهمترین فضا ها وکاربری های شهری ،«حالت درونی» غالبی که آن فضا برای شهروندان دارد وهمچنین شدت ایجاد این «حالت درونی» بیان شده است (جدول ۲). این جدول بیانگر این نکته است که هر کاربری شهری کدام جنبه درونی انسان را بیشتر مورد هدف قرار می دهد وشدت ایجاد آن در فرد به چه میزان می باشد.با شناخت آن باید طوری برنامه ریزی گردد که هر فضا وکاربری بتوانند در کنار تاثیر غالب خود سایر جنبه های درونی انسان را نیز برآورده نماید (در قسمت بحث ها ویافته ها به طور اجمالی اشاره گردیده است).

جدول۲: حالت درونی غالب وشدت آن برای هرکاربری و فضای شهری

فضا و کاربری شهری	حالت درونی غالب	شدت ایجاد حالت درونی	فضا و کاربری شهری	حالت درونی غالب	شدت ایجاد حالت درونی
دادگاه	والد	بسیار زیاد	آموزشی	والد بالغ	زیاد زیاد
زندان	والد	بسیار زیاد	درمانی	بالغ	بسیار زیاد
بانک	والد	زیاد	پارک	کودک بالغ	زیاد متوسط
اداره	والد	زیاد	فضای بازی کودک	کودک	بسیار زیاد
فضای خرید	بالغ کودک	بسیار زیاد متوسط	فضای ورزشی	کودک بالغ	بسیار زیاد زیاد

برای بهبود شهر و ارتباط موثر ساکنین با آن ، چند مورد به اجمال بیان می گردد:

- ایجاد فضاهای گفتگو،اظهارنظر و صحبت کردن.
- ایجاد فضاهایی جهت خلوت،راحتی وتفکروتامل.
- ایجاد فضاهایی جهت رهایی از عقده های درونی وایجاد آرامش(مانند آنچه در کشور انگلیس وجود دارد.در این کشور فضاهایی وجود دارد که افراد عصبانی در آن با شکستن وسایل چینی موجود در آن ، خود را راحت می نمایند).
- ایجاد فضاهایی جهت بازی های کودکانه ومفرح ومتنوع برای بزرگسالان وکودکان.

- زیباسازی شهربا استفاده از رنگ های مفرح،کفسازی مناسب،نورپردازی ومبلمان خلاقانه وطراحی شده،ایجاد جاذبه های بصری ودر کل افزایش تنوع و سرزندگی در شهر.
- و....

منابع و مآخذ

۱- مدنی پور،علی،طراحی فضای شهری،ترجمه فرهاد مرتضایی ،تهران:شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری،۱۳۷۹
۲- باتیسته،ژان و برنارد دزر، شهر ،ترجمه دکتر علی اشرفی، تهران:دانشگاه هنر،۱۳۷۷
۳- داوودپور،زهره،کلانشهر تهران وسکونتگاههای خودروی،تهران:مرکز مطالعاتی وتحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران،۱۳۸۳
۴- پاکزاد،جهانشاه،مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری،تهران:انتشارات شهیدی،۱۳۸۵
۵- استوارت،یان و ون جونز،تحلیلی بر روانشناسی تجربی تحلیل روابط متقابل،ترجمه دکتر بهمن دادگستر،تهران:دایره،۱۳۸۸
۶- سلطان زاده،حسین،فضاهای شهری دربافت های تاریخی ایران،تهران:دفتر پژوهش های فرهنگی،۱۳۸۵
۷- تیس-اونس،توماس،گونه شناسی فضا در شهرسازی ،ترجمه دکتر مهشید شکوهی،تهران:دانشگاه هنر،۱۳۸۷
۸- شیعه،اسماعیل،کارگاه برنامه ریزی شهری،تهران:دانشگاه علم و صنعت ایران،۱۳۸۶
۹ - http://mosbateman.blogfa.com/post-3083.aspx
۱۰- http://en.wikipedia.org/wiki/Talk:Transactional_analysis
۱۱- هریس،امی ب وتامس آ هریس،ماندن در وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح ،تهران:نشر فاخته،۱۳۷۶
۱۲- هریس،تامس آ،وضعیت آخر،ترجمه اسماعیل فصیح،تهران: نشر فاخته،۱۳۷۶
۱۳- وولمز،استانلی ودیگران،خلاصه ای جامع از تحلیل مبادلات به منظوردرک رفتارهای انسان،ترجمه پروین عظیمی،تهران:دنیای نو،۱۳۸۴
۱۴- مک اندرو، فرانسیس تی،روانشناسی محیطی ،ترجمه غلامرضا محمودی ،تهران: نشر زرباف اصل،۱۳۸۷
۱۵- برن،اریک،بازی ها،ترجمه اسماعیل فصیح،تهران:نشر پیکان،۱۳۷۹
۱۶- عبدی دانشپور،زهره،درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری،تهران:دانشگاه شهیدبهشتی،۱۳۸۷
۱۷- شوای،فرانسوا،شهرسازی تخیلات وواقعیات،ترجمه دکترسید محسن حبیبی،تهران:دانشگاه تهران،۱۳۸۴
۱۸- پاکزاد،جهانشاه،سیراندیشه ها در شهرسازی(۲)،تهران:شرکت عمران شهرهای جدید،۱۳۸۶
۱۹ - www.kaboom.org
۲۰- بحرینی،سید حسین،تجدد فراتجدد وپس ازآن در شهرسازی،تهران:دانشگاه تهران،۱۳۸۷
۲۱- برنامه تلویزیونی باغ کاغذی،شبکه سه سیما،۸۸/۹/۲۵،ساعت۱۸